



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
نوامبر ۲۰۱۸

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است. عبرانیان ۸:۱۳

در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، هر سه ماه یکبار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر در بهار سال ۲۰۱۶ آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعلیم برادر برانهام و نشان دادن واضح آن تعلیم می‌باشد. این مسولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه نوامبر، سه موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. هفت مقطع
۲. مکاشفه ۷:۱۰ می‌گوید: "سر"، چرا اسرار؟
۳. زندگی وقف شده

هفت مقطع

اکثراً با اصطلاح مقطع یا شکل جمع آن و همچنین هفت دوره‌ی کلیسای آشنا هستید. من می‌خواهم مقاطع مختلف در طول تاریخ را بررسی کنم. مقاطع کلیسا از هفت دوره‌ی مجزا تشکیل شده است. تاریخ از هفت مقطع تشکیل شده است. بیایید اصطلاح مقطع را در کتاب مقدس پیدا کنیم و آن را تعریف کنیم. در اینجا این اصطلاح توسط پولس رسول در کتاب مقدس استفاده شده است:

"اگر شنیده باشید تدبیر فیض خدا را که به جهت شما به من عطا شده است."

افسیسیان ۲:۳

توجه داشته باشید که این آیه از اقتصاد و دولت سخن می‌گوید. می‌بینیم راهی وجود دارد که خدا بر نقشه‌ی نجاتش نظارت دارد و این در یک دوره‌ی زمانی خاص است. توجه کنید برادر برانهام چه می‌گوید:

"هفت دوره‌ی شما به پایان رسیده است. اکنون می‌خواهید چه کنید؟ حال، شما مقطع گرا هستید. من هم هستم. ایمان دارم که خدا نیز چنین است. توجه داشته باشید. نمونه‌های این دوره برای شما به اتمام رسیده است."^۱

برادر برانهام قبل از آنکه جلوتر برود، به چند مورد درخصوص مقاطع اشاره می‌کند. او در مورد سه مقطع آشکار شدن خدا صحبت می‌کند. خدا در شکل ستون آتش به اسرائیل آشکار شد، مقطع پدری؛ خدای آشکار شده در جسم، مقطع پسر بودن و مقطع روح القدس، در طول دوره‌های کلیسا. او همچنین در مورد مقطع بی‌گناهی

^۱ ۶۴-۰۸۰۲، خانه‌ی آینده‌ی داماد آسمانی و عروس زمینی، برادر ویلیام ماریون برانهام

صحبت می‌کند. این دیدگاه دیگری در مورد این است که خدا چگونه با قومش در رابطه با نجات برخورد می‌کند.

ممکن است پرسید، مقطع‌گرایی چیست؟ شما را به چند محقق کتاب مقدسی که برادر برانهام از آنها نام برد، ارجاع می‌دهم. ممکن است با این اطلاعات موضوع را ساده‌تر درک کنید. یکی از آنها البته سی.آی. اسکافیلد^۲ و دیگری کلارنس لارکین^۳ است. اگر آثار هر یک از آنها را بخوانید، شباهت‌های بسیاری میان آنها و برادر برانهام تعلیم داده‌اند، خواهید یافت. من معتقدم دلیل بخشی از احیای ایمان، استفاده‌ی خدا از این معلمین مقطع‌گراست که دیدگاه مناسب آیات نبوتی را احیاء کردند. هرچند که آنها فقط در کلام تحقیق کردند، لیکن چیزهای درست زیادی داشتند. مقطع‌گرایی می‌تواند بعنوان یک سیستم برای جدا ساختن صحیح کلام حقیقت، تقسیم کتاب مقدس به ادوار مختلف و اختصاص دادن راه‌های مختلف برای مدیریت برنامه‌اش در این دوره از زمان تعریف شود. با گفتن این، می‌دانیم که خدا در عدد هفت کامل است. هفت دوره‌ی کلیسا در فیض وجود دارد. همچنین هفت مقطع، تاریخ دنیا را دربر می‌گیرد.

۱. مقطع اول، عاری بودن از گناه است.

"۱۱۳. حال توجه کنید که چه اتفاقی افتاد. ساختار عاری بودن از گناه خدا در باغ عدن وجود داشت و این یکی از مقاطع است. نخستین مقطع عاری بودن از گناه بود. انسان گناه را نمی‌شناخت. آنها هیچ چیز در مورد گناه نمی‌دانستند. آدم و حوا هر دو برهنه بودند، اما برهنگی شان توسط پرده‌ای مقابل صورتشان از آنها مستور بود."^۴

^۲ C. I. Scofield

^۳ Clarence Larkin

^۴ ۶۵-۰۹۱۱، قدرت خدا در تبدیل، برادر ویلیام ماریون برانهام

نخستین مقطع از آفرینش آدم و حوا تا زمانی که آنها از باغ عدم بیرون شدند، ادامه یافت. هر دو آنها برهنه بودند و این را نمی‌دانستند. به آنها فرمان داده شده بود که از میوه‌ی درخت معرفت نیک و بد نخورند، آنها لغزش خوردند و این امر باعث شد آنها بی‌گناه بودنشان را از دست بدهند. این عبارت از برادر برانهام در کنار عبارات دیگر سرنخ را در مورد مقاطع باقی‌مانده به ما می‌دهد.

۲. مقطع دوم، وجدان است.

این مقطع از باغ عدن تا سیل به طول انجامید. حقیقت خدا بصورت شفاهی از آدم و حوا به نسلشان انتقال یافت. انسان مسئول بود که به وجدانش گوش دهد و از کلام خداوند که از نسل‌های گذشته آمده، اطاعت کند. در این دوره هیچ‌گونه نهاد حکومتی یا شریعت وجود نداشت. فقط آن حقیقتی که از نسل‌های گذشته انتقال یافته بود، وجود داشت و انسان براساس عکس‌العملش نسبت به این حقیقت داوری می‌شد. می‌بینیم نتیجه این می‌شود که خدا محکومیت مهیب و ترسناکی را قرار می‌دهد. چراکه افکار قلب انسان بطور مداوم، شریر است.

۳. مقطع سوم، مقطع حکومت انسان است.

در پیدایش ۱: ۶-۹ نوح و پسرانش از کشتی بیرون می‌آیند و به آنها گفته می‌شود که زیاد و کثیر شوند و زمین را بار دیگر پر کنند. به آنها فرامین مشخصی نیز در مورد غذا و قتل داده می‌شود. حال انسان باید با وضع قوانینی که مانع قتل می‌شود و قتل را مجازات می‌کند، حکومت و نظارت کنند. این مقطع پس از سیل آغاز شد و در زمین شنعار زمانی که خدا زبان‌ها را گسترش داد، به پایان رسید. در واقع این مقطع برای امت‌ها ادامه یافته و آنها تا انتها تحت حکومت انسانی باقی می‌مانند. پولس نیز صحبت از قدرت شمشیر می‌کند که به فرمانروایان داده می‌شود.

۴. مقطع چهارم، وعده است.

خداوند فراخوانده و وعده‌ی ذریت داد، ذریتی به تعداد ستارگان آسمان و دانه‌های شن دریاها. او بدون شرط به ابراهیم وعده داد که او را برکت خواهد داد و ذریت او را کثیر خواهد ساخت. در پیدایش ۱:۱۲-۳، ۲۶:۳ و ۱۲:۱۴-۲۸ وعده‌های برکت مرتبط با سرزمینی است که خدا به او داده است. به محض اینکه آنها سرزمینشان را ترک کردند، وعده را رها کرده و برکت را از دست دادند. در پیدایش ۲:۲۶ به اسحاق گفته می‌شود که آن سرزمین را ترک نکند. یعقوب خانواده‌اش را به مصر برد و نتیجه‌ی آن اسارت و کار سخت بود. وعده‌های این مقطع ادامه یافت، اما وقتی موسی فرزندان اسرائیل را از مصر بیرون برد و برای دریافت ده فرمان به کوه سینا رفت، این مقطع پایان یافت.

۵. مقطع پنجم، شریعت است.

به محض اینکه این مقطع آغاز شد، فیض خدا بر آنها آشکار شد، خدا ایشان را از اسارت آزاد کرد، از مصر بیرون آورد و وارد سرزمین وعده کرد. خدا در کوه سینا عهد شریعت را به آنها داد و آنها گفتند: "آنچه خداوند امر فرموده است، خواهیم کرد." آنها بجای اینکه درخواست کنند تا زیر فیض او باقی بمانند، شریعت را انتخاب کردند. تاریخ اسرائیل اشتباهات بسیار آنها را در تلاش برای نگهداری شریعت نشان می‌دهد، این امر باعث می‌شود آنها از سرزمین وعده بیرون شوند. تعداد اندک باقی‌مانده بازگشتند و در نهایت با امت‌ها به توافق رسیدند که ذریت آن زن را بکشند و مقطع شریعت را پایان دهند.

° خروج ۸:۱۹

۶. مقطع ششم، فیض است.

چیز زیادی لازم نیست در این مورد بگویم. این مقطع با قربانی عیسی مسیح در جلجتا برای گناهانمان و سپس ریختن روح القدس آغاز و در روز پنطیکاست عهد جدید آغاز شد. خدا چشمانش را به روی اسرائیل بست و به سوی امت‌ها روی آورد. این مقطع با ربوده شدن عروس به اتمام می‌رسد.

۷. مقطع هفتم، سلطنت مسیح است.

این مقطع با دوره‌ی مصیبت عظیم شروع می‌شود، خدا رو به اسرائیلیان می‌کند و از طریق دو شاهد، ۱۴۴,۰۰۰ نفر را فرامی‌خواند، این امر باعث بازگشت مسیح و عروسیش به زمین به منظور حکمرانی می‌شود. مسیح به مدت هزار سال بر اسرائیل احیاء شده سلطنت خواهد کرد و عروس در کنار او بر ملل حکمرانی خواهد کرد. این مقطع با آزاد شدن شیطان به پایان می‌رسد. شیطان ملل مختلف را دورهم گرد می‌آورد تا با مسیح و مقدسین بجنگند. در این زمان است که آتشی از آسمان می‌آید، آنها را نابود می‌کند و باعث تخت سفید داوری می‌شود. هفت مقطع از نحوه‌ی برخورد خدا با بشر در طول ادوار وجود دارد. ما در پیغام دارای اصطلاحات و توصیف‌های مختلفی هستیم. یک عصر، یک نسل و غیره. زمانی که از مقطع صحبت می‌کنیم، یک دوره‌ی زمانی را پوشش می‌دهد، اما بطور ویژه به نحوه‌ی برخورد خدا با مردم آن دوره می‌پردازد. او قطعاً آنها را بر اساس برخوردشان نسبت به پیغام زمانشان داوری می‌کند.

مکاشفه ۷:۱۰ می گوید: "سر"، چرا اسرار؟

این سؤالی است که چندین بار در سفرهای خدمتی با آن مواجه شدم و در وبسایتم نیز بطور کامل به آن پرداخته شده است. چرا برادر برانهام مکرراً می گوید تمامی اسرار خدا باید در دوره‌ی پیغام‌آور کلیسای هفتم آشکار شود، درحالی‌که مکاشفه ۷:۱۰ بطور مشخص می گوید: "... سرّ خدا به اتمام خواهد رسید." آیا عبارت «سرّ» مفرد است؟ من در ادامه این منابع را ارائه خواهم داد.

"۱۲۸. به مکاشفه ۷:۱۰-۷ توجه کنید، تمام اسرار خدا توسط پیغام‌آور کلیسای لانودیکه بر عروس آشکار خواهد شد."^۶

"بلکه در ایام صدای فرشته‌ی هفتم، چون کرنا را می‌باید بنوازد، سرّ خدا به اتمام خواهد رسید، چنان‌که بندگان خود انبیا را بشارت داد." مکاشفه ۷:۱۰

بطور سطحی این یک تناقض به نظر می‌آید؛ اما زمانی که شما حقیقتاً درک کنید سرّ خدا چیست، همه چیز روشن می‌شود. مکاشفه ۷:۱۰ آیه‌ای نیست که آن را از بقیه‌ی متن جدا کنیم. در مکاشفه ۴-۱:۱۰ دو چیز اتفاق می‌افتد، ما یک فرشته‌ی زور‌آور داریم که می‌فهمیم مسیح است، تجسم حضور خدا در قالب توفانی که از آسمان با کتابی باز نازل می‌شود و با صدایی بلند صحبت می‌کند؛ سپس هفت رعد به صدای خود سخن گفتند. این وسیله‌ی آشکار ساختن آن چیزی است که بر دانیال نبی در دانیال ۴:۱۲ و ۸-۱۰ پنهان بود. از زمانی که این نوشته شد، از ادراک ما پنهان بود، می‌دانیم که این یک سرّ است. این سرّ خداست که بر خادمین خدا، انبیا مکشوف شد، با اینکه هنوز برای آنها ناشناخته بود. به دانیال گفته شد که این سرّ باید در زمان آخر

^۶ ۶۴-۰۷۱۹m، ضیافت کرناها، برادر ویلیام ماریون برانهام

آشکار شود. این سرّ مخفی خداست و مستقیماً با کتاب مختم شده که فرشته‌ی زورآور با خود همراه دارد و باز است، مرتبط می‌باشد. مشخص است که نام این کتاب، کتاب رستگاری است. این سرّ رستگاری در طول ادوار را آشکار می‌سازد. سرّ رستگاری حاوی اسرار بسیاری است. می‌توانیم به چند نمونه از آنها اشاره کنیم، «ذریّت مار»، «ظاهر شدن مسیح در حالت داماد»، «سرّ منیع حیات ما در برگزیدگی»، «اولوهیت» و غیره. همه‌ی آنها سرّ رستگاری (مفرد) می‌باشند، آنها اسرار (جمع) هستند.

زندگی وقف شده

"عیسی به وی نگریسته، او را محبت نمود و گفت: "تو را یک چیز ناقص است، برو و آنچه داری بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی یافت و بیا صلیب را برداشته، مرا پیروی کن." انجیل مرقس ۱۰:۲۱

مسیح ما را به پیروی از او فرامی‌خواند، اما این فقط یک پیروی نیست، مانند فردی نیست که پیگیر تیم مورد علاقه‌ی خود یا نمایش تلویزیونی مورد علاقه‌اش باشد. این پیروی از مسیح است، او خواستار اطاعت و وقف کامل است، حتی تا مرز مرگ، یعنی برداشتن صلیب (وسیله‌ای برای شکنجه و اعدام). تنها کسی که در دلمان است، مسیح است. تنها هدفی که در زندگی دنبال می‌کنیم، رابطه با او است. ما به میل خودمان زندگی نمی‌کنیم، از آزادی‌هایمان لذت نمی‌بریم و روزهایمان را با لذت و رقص پر نمی‌کنیم تا درنهایت چند لحظه از عمرمان را به مسیح بدهیم. برای برداشتن صلیب و پیروی از عیسی باید هر دقیقه و هر ثانیه مطیع خداوند باشیم. ما او را بیشتر از خود زندگی دوست داریم. این پایه‌ی اساسی یک زندگی وقف شده است که یک زندگی وقف شده را تولید می‌کند. برادر برانهام در مورد زندگی وقف شده گفت:

"خدای آسمان لایق بهترین شماست. بهترین زمان شما، تمامی سرسپردگی و هر آنچه که هستید، شما مدیون او هستید. ولی ما شاید فقط چند دقیقه در روز یکشنبه را به خدا می‌دهیم."^۷

"می‌دانید راه یافتن خدا، تفکر به او است. داوود در این باره صحبت کرد. اینکه او چطور تورات را خوانده و شبانه روز در آن تفکر می‌کرد."^۸

ما بعنوان پیروان عیسی، بهترین زمانمان را به تغذیه از کلام و ارتباط با او از طریق دعا اختصاص می‌دهیم. موضوع صرف چند دقیقه با او نیست، ما باید چندین ساعت با او وقت صرف کنیم تا صدای او را که با ما صحبت می‌کند، بشنویم. او امروزه ما را هدایت کرده، از طریق کلام تغذیه می‌کند و از طریق نبی و خادمانش در این زمان پیغام می‌دهد. سپس ما به سوی دنیا می‌رویم و کارهای پدر خود را بجا می‌آوریم. رویای اصلی ما این نیست که چطور می‌توانیم از نظر مالی پیشرفت کنیم، چطور می‌توانیم سهم خود را از زندگی افزایش دهیم، بلکه امروزه چطور می‌توانیم عیسی مسیح را جلال دهیم و چگونه می‌توانیم یک جان را به سوی عیسی هدایت کنیم؟

بیاید بیشتر به این زندگی وقف شده نگاه کنیم. می‌خواهم چند آیه از کتاب مقدس را به شما ارائه دهم و سپس استدلال کنم که چطور این مسئله در زندگی روزمره به ما مربوط می‌شود.

"سرود شبانه‌ی خود را به خاطر می‌آورم و در دل خود تفکر می‌کنم و روح من تفتیش نموده است."^۹ مزامیر ۶:۷۷

^۷ ۵۷-۰۸۰۵، خدا عطاپایش را آشکار می‌کند، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۸ ۵۷-۰۱۲۷e، بارتیمانوس کور، برادر ویلیام ماریون برانهام

انجام هر دو این کارها زمان‌بر است. نمی‌شود این کارها را با عجله انجام داد. زندگی وقف شده مستلزم زمان و تفکر است. به خاطر آوردن، زمان‌بر است. خود به خود به خاطر نمی‌آوریم. او ندا می‌دهد که به خاطر آوریم. پیش از آنکه بر کلام خدا تأمل کنید، این مسئله را رعایت کنید. بخش بعد ارتباط برقرار کردن با قلب خود و جستجوی دائمی آن است. این کار را نمی‌توان در حین پیام دادن در فیس‌بوک، واتساپ، جستجو در یوتیوب یا زمانی که سرتان شلوغ است، انجام دهید. این کار به زمان احتیاج دارد. زمانی که در آرامش و تنهایی، در دعا از خداوند بخواهیم تا قلب و ذهنمان را تفتیش کند. شما به دنبال چیزهایی هستید که مانع حضور بیشتر خدا در شما می‌شود؛ شما به دنبال راه‌هایی هستید که در آن از خداوند پیروی نمی‌کنید تا بتوانید بیشتر و بیشتر مطابق صورت مسیح درآیید. ما در قرن بیست و یکم در مرحله‌ی حواس‌پرتی هستیم. چطور می‌توانیم قلب خود را تفتیش کنیم و متوجه شرایط شویم؟ ما باید یاد بگیریم که چطور روحمان را آرام کنیم و به صدای خداوند گوش دهیم تا با ما کار کند.

"خشم‌گیرید و گناه مورزید. در دل‌ها بر بسترهای خود تفکر کنید و خاموش

باشید. سلاهِ." مزامیر ۴:۴

بار دیگر، ما نیاز داریم با قلب خود ارتباط برقرار کنیم، این بار نزد تختمان. وقت بگذاریم و درمورد موقعیت دلمان در حضور خدا فکر کنیم. شما چه زمانی این کار را کردید؟ این بخشی از اهمیت زندگی وقف شده برای خداوند است. آرام باشید، به او گوش کنید و منتظر صحبت کردن او باشید. شما نمی‌توانید بگویید: "ای خداوند! من زمان محدودی در اینجا دارم. ممکن است با من صحبت کنی؟" این زمان می‌برد و مستلزم تعهد، آرامش و گوش سپردن است. این زمانی است که نیازمند گوش سپردن به خدا از طریق دعا، کلام و موعظت است. خدای ما زنده است و می‌خواهد با ما صحبت کند، ما را هدایت کند و در ما کارهای ماوراءالطبیعه انجام دهد. یوئیل ۲:۲۸ می‌گوید: "و بعد از آن روح خود را

بر همه بشر خواهیم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رؤیایا خواهند دید." این موضوع همچنان ادامه دارد، اما آیا شما نسبت به آنچه خدا می گوید و انجام می دهد، مشتاق هستید؟ آیا منتظر صحبت کردن با او هستید؟

"این معمولاً زمانی است که در مورد خداوند فکر می کنید... این معمولاً زمانی است که ذهنتان را بر روی چیز دیگری نمی گذارید، بعنوان مثال کارهای دنیا یا اینکه می خواهید چقدر پول در آورید، یا چه سازمان بزرگی را می خواهید راه اندازی کنید... امروز اینها برای دنیا مهم هستند. ما ذهنمان را بجای کارهای خدا بر مسائل دنیوی قرار داده ایم.

بیاید در مورد خدا فکر کنیم. کتاب مقدس می گوید: "هر فضیلت و هر مدحی که بوده باشد، در آنها تفکر کنید." ذهن ما منحرف می شود. قبل از اینکه بفهمید، راهمان را گم کرده ایم و به چیز دیگری فکر می کنیم. بیاید عیسی را تمام روز و شب در دل و ذهن خود نگاه داریم. راه درست این است."^۹

"دل خود را به حفظ تمام نگاه دار، زیرا که مخرج های حیات از آن است." امثال ۲۳:۴

"(مزمور داود هنگامی که در صحرای یهودا بود.) ای خدا! تو خدای من هستی. در سحر تو را خواهم طلبید. جان من تشنه ی تو است و جسد مشتاق تو در زمین خشک تشنه ی بی آب." مزامیر ۱:۶۳

"^۵جان من سیر خواهد شد، چنان که از مغز و پیه و زبان من به لب های شادمانی تو را حمد خواهد گفت،^۶ چون تو را بر بستر خود یاد می آورم و در پاس های شب در تو تفکر می کنم." مزامیر ۶۳:۵-۶

^۹ ۱۲۴-۶۱، بارتیمائوس کور، برادر ویلیام ماریون برانهام

زندگی وقف شده‌ی ما نباید عاری از اشتیاق باشد. ما باید مشتاق خدا باشیم. ما باید مشتاق شنیدن صدای او باشیم که با ما سخن می‌گوید. بدون این اشتیاق چیزهای بسیاری را از دست خواهیم داد. اگر شما مشتاق نیستید، پس یک مشکلی وجود دارد و نیاز دارید برای اشتیاق دعا کنید، تا با خدایی که همه چیز را تبدیل می‌کند، ارتباط برقرار کنید. یک زندگی وقف شده به خدا به یک زندگی مملو از مهربانی، محبت و نیکویی منتهی شده و همه جا سرازیر می‌شود. زندگی وقف شده برای خدا شامل شخصی است که سرسپردگی شخصی‌اش به خدا را الویت زندگی‌اش قرار می‌دهد. شناخت این امر اولویت نخست آنهاست که هر چیز خوبی از ارتباط با روح‌القدس سرچشمه می‌گیرد.

تقدس برای خداوند



کتاب «تقدس برای خداوند» به تازگی به روز رسانی و منتشر شده است. هدف از این کتاب نگاه کردن به تمام آیات و تاریخ درخصوص مسئله‌ی مو، آرایش و پوششی است که نشان دهنده‌ی حکمت خداوند است که به نبی‌اش در این ایام داده شده. امیدوارم که این کتاب برای شما مفید واقع شود و شما آموزه‌های حیاتی آن را با نسل امروز که هیچ استاندارد را نمی‌شناسد، در میان بگذارید.